

بسم الله الرحمن الرحيم

سیناء از حاکمیت اسمی تا وابستگی استراتژیک

(ترجمه)

چهل و چهارمین سالگرد آزادی سیناء از راه می‌رسد و مصر بر سر یک دوراهی تاریخی ایستاده است؛ نه فقط به خاطر بحران‌های اقتصادی خفه‌کننده، بلکه به این دلیل که درست در میانه‌گردباد ژئوپلیتیکی گرفتار آمده که منطقه را با خون و آتش از نو شکل می‌دهد. آخرین سخنرانی سیاسی، اوج تناقض میان زبان حاکمیت و واقعیت وابستگی را به نمایش می‌گذارد؛ تناقضی که نیازمند نگاهی تحلیلی است تا گذشته و حال را به هم پیوند دهد و نشان دهد مسیری که دولت مصر از زمان امضای توافق‌های صلح با رژیم اشغالگر یهودی در پیش گرفته، تا چه اندازه فریبنده و دور از واقعیت بوده است.

گفتمان رسمی حکومت مصر در طول چهار دهه، از ادبیات «پیروزی دیپلماتیک» به ادبیات «نگرانی برای بقا» تغییر کرده است. در دوران مبارک، سخنرانی‌ها و مواضع رسمی حال‌وهوایی جشن‌گونه داشت و بیشتر بر بازپس‌گیری طابا و تثبیت حاکمیت حقوقی مصر تأکید می‌کرد؛ گویی بازگرداندن چند قطعه شن و خاک، نهایت آرمان ملی بود. اما در عمل، بخش‌های گسترده‌ای از سیناء به منطقه‌ای حائل و خلع‌سلاح شده تبدیل شد؛ وضعیتی که این شبه‌جزیره را به گروگان‌ترتیب‌ات امنیتی‌ای بدل کرد که بیش از آن‌که در خدمت حاکمیت مصر باشد، امنیت رژیم اشغالگر یهود را تأمین می‌کرد. با انتقال قدرت نیز ماهیت این گفتمان تغییری نکرد؛ همچنان «صلح» به‌عنوان تنها گزینه راهبردی معرفی شد. نتیجه این رویکرد آن بود که مصر به تدریج ابزارهای قدرت خود را از دست داد و از جایگاه یک قدرت پیشرو در منطقه، به میانجی‌ای تنزل یافت که به دنبال حفظ آرامش و مهار بحران‌ها به هر قیمتی است.

وقتی به سخنرانی اخیر سیاسی می‌رسیم، به بخشی کلیدی برمی‌خوریم که هر انسان آگاهی را به تأمل وامی‌دارد. او گفت خاورمیانه در شرایط حساس و سرنوشت‌ساز قرار دارد و تلاش‌های برنامه‌ریزی‌شده‌ای برای ترسیم دوباره نقشه منطقه، با پوشش شعارهای ایدئولوژیک افراطی، در جریان است. این اعتراف به وجود طرحی برای بازطراحی منطقه، در واقع اذعان آشکار به شکست ساختار امنیت ملی‌ای است که بر این فرض بنا شده بود که «صلح» می‌تواند از مرزها محافظت کند.

اما تناقض عجیب اینجاست که سخنرانی، با وجود اشاره به اشغالگری، ویرانی و خون‌ریزی، حتی جرأت نکرد نام «اسرائیل» را به‌صراحت بر زبان بیاورد و تنها با عباراتی مبهم به آن اشاره کرد. این ناتوانی در نام بردن، صرفاً احتیاطی دیپلماتیک نیست؛ بلکه نشانه‌ای از محدودیت قدرت و اعترافی ضمنی به نوعی حاکمیت ناقص است؛ حاکمیتی که اراده کامل ندارد و حتی نمی‌تواند دشمن اصلی‌ای را که مرزهای شرقی‌اش را تهدید می‌کند، آشکارا نام ببرد.

نتیجه‌ای که از دنبال کردن این مسیر می‌گیریم، تأیید می‌کند که بازگشت سیناء به لحاظ جغرافیایی، چیزی نبود جز خاک‌پاشی در چشم مردم مصر، برای پنهان کردن حقیقت تسلیم سیاسی و اقتصادی. زمین با اراده معاوضه شد و مصر که روزگاری به داشتن یک پروژه منطقه‌ای و به عربیت خود می‌بالید، امروز گروگان کمک‌ها، بدهی‌ها و پیمان‌های دست‌وپاگیر شده است. حاکمیت واقعی، فقط برافراشتن یک پرچم بر روی قطعه‌ای خاک نیست، بلکه در اختیار داشتن تصمیم جنگ و صلح است و پرورش نیروی بازدارنده‌ای که دیگران را از فکر دوباره کشیدن نقشه جغرافیای سرزمین‌های اسلامی بازدارد. آنچه امروز در غزه می‌گذرد و تهدید مستقیم امنیت ملی مصر در محور فیلادلفیا، پیامد طبیعی سیاست دنباله‌روی و مداراجویی است که دولت برای دهه‌ها در پیش گرفت، به این گمان که پایبندی به پیمان‌ها ثبات می‌آورد، در حالی که کیان یهود از این فرصت برای پیشبرد پروژه شهرک‌سازی خود و فروپاشی کشورهای پیرامونش، یکی پس از دیگری، استفاده می‌کرد.

اینجاست که سولات اساسی و جوهری به وجود می‌آید: راه خروج از این تونل تاریک چیست؟ راه حل ریشه‌ای در بهتر کردن شرایط وابستگی یا تغییر لحن سخنرانی‌ها نیست، بلکه در تغییر اساسی است که دولت و کل منطقه بر آن استوار شود. بحران، در کمبود منابع یا نبود جغرافیا نیست، بلکه در نبود دولتی تمدنی‌ای است که نیروی خود را از عقیده امت و هویت اسلامی‌اش بگیرد. راه حل از آنجا آغاز می‌شود که اعتراف کنیم مسیر خیانت‌باری که با کمپ دیوید شروع شد، به بن‌بستی کامل رسیده و تنها درمان، تغییر ریشه‌ای خط سیر است.

این راه حل، خود را در لغو تمامی پیمان‌هایی که حاکمیت امت را به بند می‌کشند، جدا شدن از وابستگی به نظام بین‌الملل تحت رهبری آمریکای استعمارگر، و یکپارچه ساختن نیروهای امت در سایه خلافت راشده بر روش نبوت نشان می‌دهد؛ خلافت راشده‌ای که توان استراتژیک، نیروی انسانی و منابعی دارد که آن را هم‌ردیف قدرت‌های بزرگ می‌سازد، بلکه بر آن‌ها برتری می‌بخشد.

در این چارچوب است و تنها در این چارچوب، که سیناء از اسارت به طرف نقطه‌ی انطلاق بدل می‌شود و قدرت هسته‌ای و فناورانه به یک خواسته حاکمیتی تبدیل می‌شود که هیچ‌کس جرئت بازداشتن از آن را ندارد؛ چراکه آن‌گاه دولت، مشروعیت و قدرتش را از اقتدار امت می‌گیرد، نه از نظام بین‌الملل.

حفاظت از سیناء و غزه و جلوگیری از ترسیم دوباره مرزها، با راه‌حل‌های سیاسی و مذاکره‌هایی که طی ۴۴ سال گذشته ناکارآمدی خود را نشان داده‌اند، ممکن نخواهد شد؛ بلکه تنها با در اختیار داشتن قدرتی واقعی تحقق می‌یابد؛ قدرتی که تصمیم و اراده‌اش وابسته به خارج نباشد. همچنین گفتگویی که به همکاری و سازندگی در کنار اشغالگری فرا می‌خواند که کشورها را ویران می‌کند و خون می‌ریزد، در حقیقت گفتمان کسی است که برخلاف موج خروشان امت در منطقه شنا می‌کند، به این امید که شاید حمایت غرب او را از این طوفان نجات دهد.

آزادسازی سرزمین، بدون آزادسازی اراده، زندان بزرگ‌تر است با دیوارهایی نامرئی، و سیناء امروز چیزی نیست جز گواهی بر ناتوانی دولت ملی به بند پیمان‌های ذلت‌بار در پاسداری از امنیت خود یا یاری‌رساندن به امتش. ادامه این مسیر، فقط یک شکست سیاسی نیست، بلکه قمار است با سرنوشت یک امت تمام، در برابر دشمنی که در آن، هیچ عهد و پیمانی را رعایت نمی‌کند.

بنابراین، امروز بار این مسئولیت بر دوش خطیبان و سیاست‌مداران دریند نیست، بلکه بر عهده دلسوزان ارتش کنانه (مصر) است. پس ای نوادگان صلاح‌الدین و ظاهر بی‌پرس، درمان این مسیر شکست‌خورده در دستان شماست، و تغییر خط سیر با تصمیم شجاعانه شما آغاز می‌شود. ما شما را فرا می‌خوانیم، فرا خواندنی از سر خلوص، نه برای طلب قدرتی زودگذر، بلکه برای یاری‌رساندن به حزب‌التحریر، تا خلافت را برپا کند؛ خلافت راشده‌ای که ریشه‌های وابستگی را از سرزمین ما برمی‌کند، به این بردگی تحقیرآمیز پایان می‌دهد، و امت را به سوی گذر راستین رهبری می‌کند؛ گذری که بندهای کمپ دیوید را می‌شکند، مرزهای سایکس-پیکو را فرو می‌ریزد، و پراکندگی سپاه‌ها را زیر یک پرچم گرد می‌آورد، تا مصر و با آن، امت اسلامی، گام برداشتن در مسیر درست را به سوی عزت و اقتدار آغاز کنند.

تاریخ به تردیدکنندگان رحم نمی‌کند و الله سبحانه و تعالی یاری‌رسان کسی است که او را یاری کند. پس، از خودتان خیری به الله سبحانه و تعالی نشان دهید و شما در روزگاری که یاور کمیاب شده، یاور باشید.

برگرفته از جریده الرأیه

مترجم: حسن سلحشور